

واردات نهاده‌های دامی زیر ذره‌بین



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

روز سه‌شنبه تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی درباره واردات نهاده‌های دامی در نشست کمیسیون کشاورزی مجلس مطرح شد و بنا را ی نمایندگان به تصویب رسید. این تصمیم، به عنوان یکی از مهم‌ترین تصمیمات نظارتی مجلس شورای اسلامی در ماه‌های اخیر، مسیری جدید در شفاف‌سازی زنجیره تأمین نهاده‌های کشاورزی کشور باز می‌کند. موضوعی که به طور مستقیم با امنیت غذایی مردم و معیشت تولیدکنندگان بخش دام و طیور گره خورده است. اما چرا نهاده‌های دامی مهم هستند؟ نهاده‌های دامی شامل موادی مانند ذرت، کنجاله سویا و جواست که به عنوان خوراک دام و طیور استفاده می‌شود. این اقلام به دلیل محدودیت تولید داخلی، وابستگی بالایی به واردات دارند. هرگونه اختلال در واردات و توزیع این کالاها به سرعت بر تولید گوشت، مرغ، مواد لبنی و به تبع آن قیمت این محصولات در بازار اثر گذار خواهد بود. از همین رو، مدیریت صحیح و شفاف واردات نهاده‌های دامی یک موضوع راهبردی در اقتصاد کشور محسوب می‌شود.

ابهاماتی که در سال‌های اخیر به تحقیق و تفحص منجر شد، باوجود تخصیص میلیاردها دلار ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌های دامی، گزارش‌های متعددی از کمبود در بازار، توزیع نامتوازن و افزایش بی‌دلیل قیمت‌ها منتشر شده است. دامداران و مرغداران بارها اعلام کرده‌اند که نهاده‌های دامی به نرخ مصوب و در حجم کافی به دستشان نمی‌رسد و مجبورند خوراک مورد نیاز را از بازار آزاد و با قیمتی چندین برابر تهیه کنند. این در حالی است که وزارت جهاد کشاورزی مدعی بوده نهاده‌ها به میزان لازم وارد و توزیع شده است. همین تناقض باعث شد نمایندگان مجلس تصمیم بگیرند با ابزار تحقیق و تفحص، زوایای پنهان این پرونده را روشن کنند. شفاف‌سازی فرایند واردات، تخصیص ارز، ثبت سفارش، انتخاب واردکنندگان و روند توزیع در داخل کشور محورهای اصلی این تحقیق خواهند بود.

وزارت جهاد کشاورزی برای ساماندهی توزیع نهاده‌ها سامانه‌ای به نام بازارگاه راه‌اندازی کرد که قرار بود حلقه اتصال واردکنندگان به مصرف‌کنندگان نهایی باشد، اما در عمل، این سامانه به دلایل مختلفی نتوانست نقش مؤثری در شفاف‌سازی ایفا کند. گزارش‌هایی از تخصیص رانتی سهمیه به برخی واحدها، بی‌عدالتی در توزیع و حتی عرضه نهاده‌ها در بازار آزاد با وجود ثبت آنها در سامانه، مطرح شده است. یکی از محورهای تحقیق و تفحص، بررسی عملکرد سامانه بازارگاه و شناسایی گلوگاه‌های فساد در این بستر خواهد بود. اگر این سامانه به درستی مدیریت و نظارت نشود، به جای شفافیت، به ابزاری برای تشدید رانت و بی‌عدالتی تبدیل می‌شود.

چالش‌های ساختاری در وزارت جهاد کشاورزی

یکی دیگر از موضوعات مهم در این پرونده، ساختار پیچیده و ناکارآمد وزارت جهاد کشاورزی در حوزه مدیریت نهاده‌هاست. طی سال‌های اخیر، ادغام و تجمیع برخی سازمان‌ها و معاونت‌ها بدون در نظر گرفتن ملاحظات تخصصی، موجب ضعف در تصمیم‌گیری و نظارت شده است. به عنوان مثال، پیشنهاد اخیر شورای عالی اداری برای تجمیع سازمان دامپزشکی و سازمان حفظ نباتات با حوزه زراعت با مخالفت شدید کارشناسان و نمایندگان روبه‌رو شده است. نمایندگان معتقدند وقتی ساختار سازمانی وزارت جهاد کشاورزی به درستی تعریف نشده و هر روز شاهد تغییر و تجمیع‌های غیر کارشناسی هستیم، نمی‌توان انتظار مدیریت دقیق و پاسخگویی شفاف را داشت.

ارز ترجیحی، مسیری که شفاف نیست

یکی دیگر از محورهای مهم این تحقیق، تفحص، نحوه تخصیص و مصرف ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌هاست. سالانه میلیاردها دلار ارز ۴۰۰ تومانی برای واردات نهاده‌های دامی اختصاص می‌یابد اما در عمل، تأثیر آن در سرفه مردم دیده نمی‌شود. سؤال اینجاست که این ارزها به چه کسانی تخصیص یافته و با نظارت دقیقی بر نحوه مصرف آن وجود داشته است یا خیر. تحقیق و تفحص می‌تواند با بررسی اسناد و مدارک مالی، مسیر جریان این ارزها را شفاف و در صورت بروز انحراف، مسیر پاسخگویی را باز کند.

پرونده‌های اینجینی که پای امنیت غذایی مردم و منافع ملی در میان است، نیاز به همکاری و هم‌افزایی همه دستگاه‌های نظارتی و قضایی دارد. بدون شک، تحقیق و تفحص مجلس می‌تواند ابعاد مستندنی از مشکلات و تخلفات را روشن کند اما برای برخورد با متخلفان و بازگرداندن حقوق تضییع شده مردم، ورود قاطع قوه قضائیه ضروری خواهد بود. نتیجه این تحقیق و تفحص می‌تواند در بازسازی اعتماد عمومی و مجلس و سایر نهاده‌های نظارتی تأثیر گذار باشد. مردم سال‌هاست که از وعده‌های نظارتی و شفافیت خسته شده‌اند و حالا منتظر اقدام عملی و ملموس هستند. اگر مجلس بتواند این تحقیق و تفحص را به نتیجه ملموس برساند و در صورت احراز تخلف، مقصران را معرفی و به پاسخگافتی بسپارد، گام بزرگی در احیای اعتماد عمومی برداشته خواهد شد. در غیر این صورت، این پرونده هم مانند بسیاری از تحقیق و تفحص‌های پیشین به بیابانی سپرده خواهد شد.

وزارت جهاد کشاورزی باید این تحقیق و تفحص را نه به عنوان تهدید بلکه به عنوان فرصت بازسازی اعتماد و اصلاح ساختارها تلقی کند. پیش‌دستی در ارائه اسناد، همکاری کامل با مجلس و پذیرش ضعف‌ها می‌تواند مانع از تشدید فضای بی‌اعتمادی شود. در عین حال، اصلاح فوری فرایندهای ثبت سفارش، تخصیص سهمیه و توزیع نهاده‌ها با محوریت شفافیت و حذف رانت‌ها، جای سیستماتیک می‌تواند بخش زیادی از بحران را مهار کند. ایران ما سال‌هاست گرفتار یک چرخه معیوب است؛ چرخه‌ای که در آن عدم شفافیت، رانت، سوءمدیریت و عدم پاسخگویی به حلقه‌های ثابت آن تبدیل شده است. تحقیق و تفحص مجلس می‌تواند این چرخه را بشکند، مشروط به اینکه اراده سیاسی و نظارتی لازم برای پیگیری آن تا مرحله برخورد قاطع وجود داشته باشد. نهاده‌های دامی مثل ذرت، کنجاله سویا و جو، بخش اصلی خوراک دام و طیور را تشکیل می‌دهد. هر مشکلی در تأمین این کالاها، در دست مثل ضربه به قلب صنعت دامداری و مرغداری است. وقتی نهاده‌ها بموقع و با قیمت مناسب در اختیار تولیدکننده قرار نگیرد، به سرعت قیمت گوشت، مرغ و محصولات لبنی در بازار افزایش می‌یابد. این موضوع مستقیماً سرفه مردم را کوچکتر می‌کند و به معنی افزایش تورم در بخش مواد غذایی است چراکه واردات نهاده‌های دامی فرآیندی پیچیده است و در هر مرحله‌ای که نظارت ضعیف باشد، امکان بروز فساد وجود دارد:

ثبت سفارش و تخصیص ارز: این مرحله که باید کاملاً شفاف و عادلانه باشد، ممکن است محل رانت و انتخاب واردکنندگان خاص باشد. ترخیص کالا: از گمرک؛ اگر زیرساخت‌های کنترلسی و نظارتی قوی نباشد، کالاها غیر استاندارد یا حتی تقلبی وارد بازار می‌شود. توزیع در بازار داخلی: اگر سامانه‌های توزیع (مانند بازارگاه) ناکارآمد یا آلوده به فساد باشد، نهاده‌ها به دست تولیدکنندگان واقعی نمی‌رسد و به بازار آزاد با قیمت چندبرابر فروخته می‌شود. جان کلام آنکه یکی از دلایل عمده مشکلات در حوزه نهاده‌های دامی، ساختار پیچیده و پراکنده وزارت جهاد کشاورزی است. ادغام‌های غیر کارشناسی سازمان‌ها و معاونت‌ها بدون در نظر گرفتن تخصیص و کارایی، منجر به کاهش نظارت دقیق و ضعف در تصمیم‌گیری شده است. تا زمانی که ساختارهای وزارتخانه متناسب با نیازهای روز رو بر اساس شفافیت شکل نگیرد، نمی‌توان انتظار مدیریت موفق داشت.



گزارش یک
پنار قاسمی

| روزنامه جوان | شماره ۲۳۷۱

سرویس اقتصادی۸۵۲۳۰۶۰

آب دزدی و هدر دادن آب تهران را به اینجا رسانده است

رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب: روز صفر آبی تهران مدت هاست که شروع شده است



اکنون که محدودیت‌های کم آبی در سراسر کشور به بحران تبدیل شده و مدیریت اشتباه نظام حکمرانی کشور در یک دهه اخیر بیش از گذشته عیان شده باز هم مصرف خانگی مورد سرزنش مسئولان دولتی است و مردم به بد مصرفی محکوم می‌شوند. اما بر خلاف نظر وزارت نیرو بخش خصوصی معتقد است که نباید انگشت اتهام را تنها به سوی مردم دراز کرد، زیرا این شرایط ناشی از عملکردهای نادرست در دهه‌های گذشته است. رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب معتقد است که نباید در سرباره بحران آب سیاه‌نمایی کرد، زیرا بحران آب نداریم بلکه بحران در مدیریت مصرف و ساختار مدیریت آب داریم. همواره گفته می‌شود که مردم بیش از الگو مصرف آب دارند، در حالی که تهران ۱۵ درصد جمعیت را در خود جای داده و ۱۱ درصد مصرف آب شرب دارد که ز بر الگو است.

سختگوی صنعت آب کشور و رئیس فدراسیون صنعت آب کشور دیروز در یک نشست خبری به موضوع بحران آب کشور پرداختند. سختگوی صنعت آب کشور از تدوین بسته راهبردی عملیاتی آب کشور کرد و گفت: ۹ جلسه کمیته تخصصی شورای عالی آب تشکیل شده و در جلسه اخیر بسته راهبردی عملیاتی آب کشور تدوین شد. در گام اول اجرای این بسته، ۳۱ استان کشور تمام ظرفیت‌های تأمین آب به‌روز مشخص و تعیین شده برای هر بخش شرب و کشاورزی و صنعت جقدر تخصیص یابد. ما در حال حاضر برای هر ۳۱ استان برنامه داریم که جقدر آب سطحی، زیرزمینی و پساب و دریا داریم و آخرین منابع را احصا کرده ایم، یعنی از آب سطحی جقدر به شرب، کشاورزی، بهداشت، خدمات و صنعت داده شود و چه میزان پساب به

روز صفر آبی تهران مدت‌هاست که شروع شده است

نقش کشاورزان در تأمین امنیت غذایی کشور غیر قابل انکار است، آنها تنها مسئول تولید محصولات غذایی روزمره ما هستند، بلکه حافظان اصلی منابع طبیعی مانند خاک و آب نیز محسوب می‌شوند. افزایشی که در سطح زیر کشت محصولات مختلف، به‌ویژه گندم، مشاهده شده است نشانه‌ای از تلاش این جامعه بزرگ برای پاسخگویی به نیازهای کشور است. سطح زیر کشت گندم در سال ۱۴۰۳ با بیش از ۸ میلیون هکتار، نسبت به سال ۲۹ درصد افزایش یافته است که خود یک دستاورد بزرگ در زمینه تولید داخلی به شمار می‌آید. همچنین، توسعه قابل توجه در بخش دامداری، چه در بخش دام سبک و چه دام سنگین، که هر کدام به ترتیب بارش ۲۱ و ۲۳ درصد همراهموده‌اند، پتانسر حرکت جامعه کشاورزی به سمت تأمین نیازهای پروتئینی کشور است.

با وجود این دستاوردها، کشاورزان کشور با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که بدون رسیدگی به آن‌ها، نه تنها آینده کشاورزی در خطر قرار می‌گیرد، بلکه امنیت غذایی و اقتصاد ملی نیز آسیب می‌بیند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، فشار زیاد بر منابع آبی و خاک است. با افزایش سطح زیر کشت و توسعه فعالیت‌های کشاورزی،

هستند که این چاه‌ها برای تأمین آب شرب تهران، در اختیار وزارت نیرو قرار گیرد.

ما انگشت اتهام را به سمت مردم نگرفتیم

بزرگ‌زاده در خصوص ضرورت مدیریت مصرف آب در تهران گفت: اینکه می‌گوییم باید در مصرف آب صرفه‌جویی شود، از شرایط فعلی تهران فراتر است. ما باید برای عبور از شرایط بحرانی فعلی کمک می‌خواهیم. وی تأکید کرد: اگر ۲۰ تا ۲۵ درصد در مصرف آب خانگی تهران صرفه‌جویی شود، از شرایط فعلی عبور خواهیم کرد. سختگوی صنعت آب با بیان اینکه یک میلیارد و ۷۹۹ میلیون مترمکعب مصرف سالانه آب کشاورزی تهران است، افزود: بدون شک کاهش مصرف آب در کشاورزی و استفاده از این ظرفیت برای تأمین آب شرب می‌تواند مؤثر باشد. وی در خصوص حق آبه هیرمند نیز گفت: متأسفانه با وجود تأکید حقوق مردم و مصرف‌کنندگان سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب تحویل ایران شود اما در سال آبی جاری تا امروز فقط ۱۱۹ میلیون مترمکعب آب تحویل ایران شده است.

روز صفر آبی تهران مدت‌هاست که شروع شده است

همچنین رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب، رضا حاجی کریم در ادامه این نشست با دفاع از حقوق مردم و مصرف‌کنندگان گفت: بحران آب می‌تواند همه آنچه طی سال‌ها در مسیر توسعه و آزادی مدنی کسب کرده‌ایم، نابود کند. ما اکنون در مسیر نزولی مدیریت منابع آبی قرار داریم، امسال این گذرد و به بازندگی پاییز می‌رسیم، برای بعد از آن چه کردیم؟ برای اینکه ۷ تا ۸ درصد آب شرب برای فضای سبز صرف نشود چه کردیم؟ برای ساخت و ساز شهری که بی‌محایا

| چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۲ صفر ۱۴۴۷ |

سرویس اقتصادی۸۵۲۳۰۶۰

تهران برای برداشت غیرمجاز آب از چاه و تعدی به دیگر استان‌ها چه کردیم که سال بعد دچار بحران نشویم. همواره گفته می‌شود که مردم بیش از الگو مصرف آب دارند، تهران ۱۵ درصد جمعیت را در خود جای داده و ۱۱ درصد مصرف آب شرب دارد که ز بر الگو است.

انگشت اتهام را به سمت مردم نگیریم!

وی تأکید کرد مردم بد مصرف نیستند، انگشت اتهام را به سمت مردم نگیریم. ما شهر را بی‌محایا گسترش دادیم و منابع آب را آوردیم، این تقصیر مردم و بخش خصوصی نیست. روز صفر تهران وقتی است شروع شده، وقتی چندین دشت نابود و آب به فاضلاب تبدیل می‌شود، ر کورد فرونشست جهان را به‌خطر برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی داریم، وقتی به منابع آبی استان‌های دیگر هم ورود کرده‌ایم و باز هم

رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب افزود: متأسفانه به بحران عادت می‌کنیم و این نگرانی هست که به بحران آب تهران هم عادت کنیم و تدبیر نکنیم. در شهر تهران ۶ تا ۸ درصد آب برای فضای سبز شهری صرف می‌شود و در همین شرایط بحرانی هم در غرب و شرق تهران پروانه ساختمانی در حال صدور است که باید این رو به‌با اصلاح شود. وی ادامه داد: کل مصرف آب استان تهران در سال یک‌میلیارد و ۵۱۲ میلیون مترمکعب است؛ از این رقم ۳۳۱ میلیون مترمکعب هدرروی و تلفات داریم که ۸۰ میلیون مترمکعب آب دزدی و مصرف رایگان آب و ۲۵۱ میلیون مترمکعب هدررفت آب در شبکه است.

در اختیار وزارت نیرو و مدیریت مصرف آب در تهران گفت: اینکه می‌گوییم باید در مصرف آب صرفه‌جویی شود، از شرایط فعلی تهران فراتر است. ما باید برای عبور از شرایط بحرانی فعلی کمک می‌خواهیم. وی تأکید کرد: اگر ۲۰ تا ۲۵ درصد در مصرف آب خانگی تهران صرفه‌جویی شود، از شرایط فعلی عبور خواهیم کرد. سختگوی صنعت آب با بیان اینکه یک میلیارد و ۷۹۹ میلیون مترمکعب مصرف سالانه آب کشاورزی تهران است، افزود: بدون شک کاهش مصرف آب در کشاورزی و استفاده از این ظرفیت برای تأمین آب شرب می‌تواند مؤثر باشد. وی در خصوص حق آبه هیرمند نیز گفت: متأسفانه با وجود تأکید حقوق مردم و مصرف‌کنندگان سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب تحویل ایران شود اما در سال آبی جاری تا امروز فقط ۱۱۹ میلیون مترمکعب آب تحویل ایران شده است.

انتقال آب طالقان حتی آب منطقه ۲۱ تهران را هم تأمین نمی‌کند

وی تصریح کرد: خط انتقال آب طالقان به تهران است که از آن به‌عنوان ناجی یاد می‌شود حدود ۷۰ میلیون مترمکعب در سال یعنی ۷ درصد نیاز آبی تهران را تأمین می‌کند. انتقال آب از طالقان به تهران، مصرف آب شرب منطقه ۲۱ تهران را هم تأمین نمی‌کند. حاجی کریم گفت: وقتی بالغ بر ۱/۸ تا ۱/۹ میلیارد مترمکعب آب در تهران صرف کشاورزی می‌شود، با ۱۰ درصد کاهش مصرف آب کشاورزی تهران، می‌توانیم چندین برابر این آب را برای تهران تأمین کنیم.

وی در بار احتمال واردات آب، اظهار داشت: اکنون میزان آب تجدیدپذیر کشور بیش از نیاز آبی است و بنابراین واردات آب معنا ندارد، بحران آب نداریم بلکه بحران مدیریت مصرف داریم و باید در این زمینه کار کرد. رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب گفت: نباید در سرباره بحران سیاه‌نمایی کرد، زیرا بحران آب نداریم بلکه بحران در مدیریت مصرف و ساختار مدیریت آب داریم. مشکلات آب می‌تواند تبعات تمدنی داشته و همه بنیان‌ها ایجاد شده تاکنون را تحت تأثیر قرار دهد. رئیس هیئت مدیره فدراسیون آب کشور گفت: نباید انگشت اتهام را تنها به سوی مردم دراز کرد زیرا این شرایط ناشی از عملکردهای نادرست در دهه‌های گذشته است. نباید با باریدن باران در پاییز مشکلات آب به فراموشی سپرده شود و اقدام‌های اصولی باید تدوام یابد.

حمایت از جامعه کشاورزی، کلید توسعه پایدار و امنیت غذایی

پیشرفته، می‌تواند راه‌حلی برای افزایش بهره‌وری و کاهش اثرات منفی کشاورزی بر منابع طبیعی باشد. بنابراین، دولت سازمان‌های مرتبط باید آموزش‌های لازم را به صورت گسترده در اختیار کشاورزان قرار دهند و زیرساخت‌های لازم برای ترویج کشاورزی پایدار فراهم شود.

یکی دیگر از مسائلی که توجه ویژه می‌طلبد، وضعیت بیمه و حمایت‌های اجتماعی کشاورزان است. کشاورزی به دلیل وابستگی مستقیم به عوامل طبیعی، همواره با ریسک‌های فراوانی مانند خشکسالی، سیل، آفات و بیماری‌ها مواجه است. نبود بیمه‌های جامع و حمایت‌های کافی، کشاورزان را در برابر این مخاطرات آسیب‌پذیر می‌کند و می‌تواند موجب کاهش انگیزه و افزایش مهاجرت از روستاها شود. طراحی و اجرای برنامه‌های بیمه کشاورزی کارآمد و حمایت‌های اجتماعی می‌تواند کمک بزرگی به ثبات معیشت کشاورزان باشد. توزیع جغرافیایی فعالیت‌های کشاورزی نیز نکته مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بیش از ۵۱ درصد بهره‌برداران کشاورزی کشور در چند استان خاص مانند کرمان، خراسان رضوی، مازندران، فارس و خوزستان متمرکز شده‌اند. این تمرکز جغرافیایی هم فرصت‌ها هم چالش‌هایی دارد؛ از یک طرف امکان تمرکز امکانات و برنامه‌های توسعه‌ای بیشتر فراهم می‌شود، اما از سوی دیگر می‌تواند باعث افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای در دسترسی به منابع و خدمات شود. در نتیجه، برنامه‌ریزی برای توزیع عادلانه منابع و حمایت از مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز از ضرورت‌های توسعه پایدار کشاورزی است.

حمایت از جامعه کشاورزی، فراتر از یک ضرورت اقتصادی، یک وظیفه اجتماعی و ملی است. کشاورزان نه تنها تولیدکنندگان غذا هستند، بلکه نگهبانان فرهنگ و هویت روستایی و محیط زیست کشور نیز محسوب می‌شوند. حفظ و توسعه این بخش در شرایطی که جهان با چالش‌های امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع طبیعی روبه‌رو است.

هادی اسماعیلی

امتیاز جدید به صادرکنندگان متعهد

سیاست‌گذاری اقتصادی در حوزه تجارت خارجی، اینک وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن، حمایت هدفمند از صادرکنندگان متعهد و تسهیل بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی اقتصاد، در قالب ابزاری نوین به نام «امتیاز صادراتی» متبلور شده است. این ابزار که بر اساس آیین‌نامه اجرایی جزء (۲) بند (ن) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۴ از سوی هیئت وزیران به تصویب رسیده، در واقع کوششی است برای پیوند زدن میان سیاست‌های ارزی و تجاری کشور به شیوه‌ای هوشمندانه و اثربخش. به زبان ساده، امتیاز صادراتی، حقی است که به صادرکنندگان خرد اعطا می‌شود تا بتوانند ارز حاصل از صادرات خود را در بازار رسمی به کار گیرند و در ازای آن، از منافع مادی و اعتباری بهره‌مند شوند. این امتیاز که قابلیت خرید و فروش می‌آه را ثانویه ارز را دارد، به منزله سندی است که ارزش آن بر مبنای میانه‌های کارشناسی‌شده تعیین شده و در چارچوب یک سامانه رسمی و شفاف مورد معامله قرار می‌گیرد.

این سازوکار، در وهله نخست، صادرکنندگان خردی را هدف قرار داده است که پیش‌تر، به واسطه محدودیت‌های ساختاری و ناکارآمدی‌های موجود در نظام ارزی کشور، با قادر به بازگرداندن ارز نبودند یا در صورت بازگشت، از منافع آن به شکل منصفانه بهره‌مند نمی‌شدند. امتیاز صادراتی به این گروه از فعالان اقتصادی این امکان را می‌دهد تا در بازاری رقابتی و تحت نظارت، امتیاز خود را به واردکنندگان یا نهادهای مالی نیازمند ارز عرضه کنند و در قبال آن، با زده‌ی مناسب و قانونی کسب کنند. سامانه معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران، بستری است که این فرایند در آن به شکل رسمی انجام خواهد گرفت. در این بازار، قیمت هر امتیاز صادراتی به‌واسطه توافق مستقیم میان عرضه‌کننده (صادرکننده) و خریدار (واردکننده) با نهاد مالی) تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، این بازار با حذف واسطه‌ها و دلالان، مسیر شفاف‌تری را برای کشف قیمت واقعی ارز حاصل از صادرات فراهم می‌سازد.

نکته کلیدی در این سیاست، توجه به معیارهای تخصصی برای تعیین ضریب امتیاز صادراتی هر صادرکننده است. سازمان‌های ذری‌بط ۱۲ شاخص را به عنوان معیارهای اصلی در این فرایند معرفی کرده‌اند که از جمله می‌توان به پیچیدگی کالای صادراتی (PCI)، میزان بهره‌مندی از یارانه‌های دولتی (نسلع سوخت)، سطح فناوری و دانش‌بنیانی بودن کالا، سابقه صادراتی صادرکننده، و مدت‌زمان رفع تعهد ارزی اشاره کرد. همچنین نوع ارز دریافت‌شده یا تحویلی نیز به عنوان یکی از فاکتورهای مؤثر در ضریب‌دهی لحاظ خواهد شد. این رویکرد چند وجهی به تخصیص امتیاز صادراتی، پیامدهای مثبتی را در پی خواهد داشت. نخست آنکه، صادرکنندگان به تولید و صادرات کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر و مصرف انرژی کمتر ترغیب خواهند شد، چراکه ضریب امتیاز این دسته از کالاها بالاتر بوده و سودآوری بیشتری را به همراه دارد. در وهله دوم، بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی اقتصاد کشور تسهیل و تسریع می‌شود؛ مسئله‌ای که در سال‌های اخیر همواره یکی از دغدغه‌های جدی سیاست‌گذاران اقتصاد بوده است.

همچنین، شکل‌گیری بازار ثانویه رسمی برای خرید و فروش امتیاز صادراتی، موجب خواهد شد فرایند کشف قیمت به صورت شفاف و رقابتی انجام گیرد و از بروز رانت و فساد در این حوزه جلوگیری شود. این بازار با ایجاد انگیزه اقتصادی برای صادرکنندگان خرد و فراهم ساختن بستری رقابت سالم، به تدریج سهم بازارهای غیررسمی را کاهش داده و نقش آنان را در اقتصاد کشور کمرنگ خواهد کرد. از سوی دیگر، واردکنندگانی که پیش‌تر برای تأمین ارز مورد نیاز خود ناچار به مراجعه به بازار آزاد بودند، اکنون می‌توانند از طریق این سازوکار، نیازآرزی خود را با برانه‌های منطقه‌ای و در بستری امن و رسمی تأمین کنند. بدین ترتیب، یک رابطه تعاملی بر-د-میان صادرکنندگان و واردکنندگان شکل خواهد گرفت که در آن، منافع هر دو طرف به‌صورت متوازن تأمین می‌شود. موفقیت این سیاست، در گرو اجرای دقیق و نظارت مستمر بر فرایندهای آن است. شفافیت کامل در انجام معاملات، بهره‌روزی مداوم ضوابط و معیارها، و مقابله جدی با هر گونه سوءاستفاده یا انحراف احتمالی، از جمله عواملی است که می‌تواند به تثبیت و پایداری این سازوکار کمک آسالی کند.

این بار دولت به‌جای اعمال فشار و اجبارهای دستوری، از مکانیزم‌های تشویقی بهره جسته است تا صادرکنندگان را به بازگشت ارز ترغیب کند. این رویکرد که مبتنی بر منطق نیازهای اقتصادی و تجربه‌های موفق جهانی است، می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر حوزه‌های اقتصاد کشور نیز باشد. امتیاز صادراتی نه تنها ابزاری برای مدیریت منابع و تسهیل توزیع ارز است، بلکه می‌تواند به یکی از ستون‌های اصلی در راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی ایران بدل گردد. با اجرای صحیح این سیاست، صادرکنندگان کوچک که همواره در حاشیه ماندند، جایگاه شایسته‌تری در اقتصاد ملی خواهند یافت و به عنوان بازیگران مؤثر در عرصه تجارت خارجی کشور ایفای نقش خواهند کرد. موفقیت نهایی این طرح در گرو تعامل و همکاری سازنده میان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای مالی و فعالان بخش خصوصی است. تنها در سایه چنین هم‌افزایی و همکاری‌ای است که می‌توان به تحقق اهداف کلان این سیاست امیدوار بود.

امتیاز صادراتی، از زمونی بزرگ برای نظام اقتصادی کشور است؛ از زمونی که نتیجه آن تواند نه تنها بر نفع‌اند بازار را، بلکه بر کیفیت و جهت‌گیری صادرات ایران نیز تأثیر گذار باشد. اگر این طرح با رویکردی علمی، مدیریتی مقتدر و نظارت‌های هوشمندانه همراه شود، می‌تردید می‌تواند به عنوان الگویی موفق و اثربخش در سایر عرصه‌های اقتصادی این کشور به‌رهمررداری لازم «امتیاز صادراتی» صرف‌فایک ویژه جدید می‌تواند ساختار تجارت خارجی کشور را متحول سازد و بستری مناسب برای ارتقای جایگاه صادرکنندگان واقعی در اقتصاد ملی فراهم آورد. این طرح، به‌ویژه برای فعالان و صنعتگران، به‌سبب کاهش بار مالی و نقلیه عطفی در تاریخ تجارت خارجی ایران رقم خواهد زد. مسیر پیش‌رو، مسیری آسان نخواهد بود، اما با عزم جدی و تدبیر هوشمندانه، می‌توان به آینده‌ای روشن در عرصه تجارت خارجی کشور امیدوار بود؛ آینده‌ای که در آن، صادرکننده متعهد و واردکننده شفاف، هر دو برنده واقعی میدان خواهند بود.

امتیاز صادراتی، ابزاری جدید برای حمایت از صادرکنندگان خرد و مدیریت بازگشت ارز صادراتی به کشور است. بر اساس صوبه هیئت وزیران، صادرکنندگانی که دارای پروانه صادراتی معتبر هستند، می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را به «امتیاز صادراتی» تبدیل کنند و آن را در بازار رسمی و شفاف به واردکنندگان یا نهادهای مالی عرضه نمایند. این امتیاز، قابلیت معامله در بازار ثانویه ارز را دارد و قیمت آن بر اساس توافق میان عرضه‌کننده و خریدار تعیین می‌شود. ۱۲ شاخص تخصصی برای تعیین ارزش هر امتیاز لحاظ شده است؛ از جمله پیچیدگی کالای صادراتی (PCI)، میزان بهره‌مندی از یارانه‌های دولتی، سطح فناوری و دانش‌بنیانی، سابقه صادراتی و سرعت رفع تعهد ارزی صادرکننده. این شاخص‌ها باعث می‌شود کالاهایی که ارزش افزوده بالاتر و مصرف انرژی کمتری دارند، امتیاز بیشتری دریافت کنند. این طرح، در صورت اجرای شفاف و نظارت تعیین می‌شود. موجب تقویت منابع ارز و فرهنگ حفظ و توسعه این بخش در حمایت از صادرکنندگان متعهد شود. امتیاز صادراتی گامی مهم در همگرایی سیاست‌های ارزی و تجاری کشور است که می‌تواند اقتصاد صادراتی ایران را به مسیر پایدارتری هدایت کند.